

بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت 24 هزار شهید استان اصفهان - 8 / آذر / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین
الاطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز و مجاهدان فی سبیل الله. بنده آن کسانی را که برای احیای یاد
مجاهدان و شهدا کار میکنند، مجاهدان فی سبیل الله میدانم؛ یعنی خود این یک جهاد فی سبیل الله است. و سعی
کنید که «جاهدوا فی الله حق جهاده»؛ (1) این جهاد را آن چنان که باید و شاید انجام بدهید.

اصفهان در همه‌ی نشانه‌های تمدنی پیشگام بود؛ در علم، در صنعت، در هنر، در معماری، در عالم‌پروری، در
سلحشوری و در همه‌ی این چیزها؛ این مال تاریخ است. حوادث انقلاب نشان داد که اصفهان در مسئله‌ی فداکاری
در راه خدا و جهاد فی سبیل الله هم پیشگام است؛ یعنی یک امتیاز بی نظیر و بی مثال بر امتیازات اصفهان، در انقلاب
و در دفاع مقدس افزوده شد.

شهدای بزرگی که در راه اسلام و در راه استقلال این کشور جان خودشان را فدا کردند، یک فهرست طولانی‌اند که
[همان‌طور که ایشان] گفتند ده درصد همه‌ی شهدای کشور مال استان اصفهانند. استان اصفهان به لحاظ نسبت
جمعیتش، از همه‌ی استانهای کشور بیشتر شهید داده. خب اینها واقعیاتی است. آنچه مهم است این است که این
سلسله، این رشته - رشته‌ی فداکاری و رشته‌ی نورانی شهادت - از دوران قبل تا امروز در اصفهان ادامه دارد؛ یعنی
یک روز ما شهید مدرّس را داریم، بعد در یک برهه‌ای مثلاً شهید بهشتی و امثال ایشان را داریم، بعد در یک برهه‌ای
شهید خرّازی و شهید همّت و شهبازی و مانند اینها را داریم، بعد در یک برهه‌ای شهید کاظمی را داریم، بعد در یک
برهه‌ای شهید زاهدی و نیلفروشان، یا همین چند شهیدی که شهید امنیتند و این چند روز [به شهادت رسیدند] -
که سه نفرشان اصفهانی بودند - را داریم؛ یعنی این رشته‌ی شهادت، مقطعی نیست که حالا ما مثلاً بگوییم خیلی
خب، یک روز 370 شهید را تشییع کردند، (3) تمام شد رفت؛ نه، این نهادینه است در اصفهان؛ اینها مهم است.
شما که یاد شهدا را گرامی میدارید، این نقاط را برجسته کنید، اینها را نشان بدهید. جوان امروز، نسل امروز، به اینها
احتیاج دارد، باید بداند؛ اینها شناسنامه‌ی اصفهان است.

یک نکته‌ی مهم در باب اصفهان مسئله‌ی دین‌داری است؛ دین‌داری اصفهان. حالا من البته شاید قبلاً در بعضی از
دیدارهای با مردم عزیز اصفهان گفته‌ام این را، (4) بنده خودم در اصفهان شاهد بودم جلساتی را و اجتماعاتی را که
معمولاً در هیچ جای کشور، از جمله مشهد خود ما نظیر آن را ما آن زمان نمیدیدیم - مال سالها قبل است؛ پنجاه
سال، شصت سال پیش - از لحاظ گرایش مردم، توجّه مردم، مجالس لاینقطع از ماه رمضان تا محرم، که ماه‌های
عزاداری هم نبود؛ کجا؟ در تیمچه‌های بازار اصفهان. حالا اینها که چیزهای در واقع ابتدائی و تا حدودی سطحی
است؛ دین‌داری مردم اصفهان را از فهرست بلند علمای اصفهان میشود شناخت. حالا شما مرحوم آسید ابوالحسن
اصفهانی را اسم آوردید؛ خب بله، ایشان ملای بزرگی بودند. اگر نگاه کنید در دوره‌ی اساتید خود آسید ابوالحسن
اصفهانی (رضوان الله علیه) در اصفهان، این قدر علمای بزرگ در اصفهان در سطح استاد مرحوم آسید ابوالحسن
اصفهانی و میرزای نائینی که اینها همه طلبه‌ی اصفهانند، وجود دارد که انسان متحیر میماند که این همه عالم را چه
جوری توصیف کند؛ از خود اصفهان، از نجف‌آباد اصفهان، از روستاهای گوناگون اصفهان، از نقاط دیگری [مانند]
خوانسار که طایفه‌ی خوانساری‌ها که بزرگ‌ترینشان مرحوم آسید محمدهاشم و دیگران [بودند] آمدند آنجا. یعنی
عظمت مردم اصفهان، دین‌داری مردم اصفهان را از نام این فهرست طولانی علمای اصفهان میشود شناخت. اینها مال
قرن 10 و 11 و مانند اینها نیست، زمان مجلسی و صفویه نیست، مال همین قرن اخیر خود ما است. این دین‌داری
مردم اصفهان!

خب، یک نکته‌ای اینجا وجود دارد؛ ما چرا روی دین‌داری مردم اصفهان تکیه میکنیم؟ آن نکته این است که اصفهان

نشان میدهد که جریان تدین و تشرع با جریان علم و صنعت و فرهنگ و تمدن و امثال اینها درهم تنیده اند؛ نه فقط منافاتی با هم ندارند، بلکه اصلاً درهم تنیده هستند. این نمونه‌ای از تمدن ایرانی ما است؛ تمدن ایرانی که روزگاری در قلّه‌ی تمدن بشری قرار داشته، از قدیم، از قبل از اسلام حتی با دین همراه بوده، با تدین همراه بوده. اینکه بعضی تلاش میکنند، سعی میکنند که پیچ و مهره‌های مجموعه‌ی تمدن ایرانی را بزور از همدیگر باز کنند، بین دین و بین علم و صنعت و فرهنگ و هنر و مانند اینها فاصله بیندازند، این کار، هم غلط و خلاف واقع است، هم بیهوده است و امکان‌پذیر نیست. امروز هم بهترین جوانان ما در پیشرفته‌ترین مراکز علمی ما مشغول کارند؛ امروز هم این‌جوری است. در همین دوره‌ی خود ما برجسته‌ترین استعدادهای موجود کشور ما در خدمت پیشرفته‌ترین حرکت‌های علمی بودند. مرحوم دکتر چمران (رضوان الله علیه) در بخشهای مربوط به علم و مانند اینها در همان دانشگاه‌های آمریکا که درس میخوانده – خودش برای من نقل میکرد – تا آن نقاط آخر که آمریکایی‌ها اجازه نمیدهند دانشجوی غیر آمریکایی به آنجاها برسد، ایشان پیش رفته بود؛ چه کسی بود؟ چمران؛ چمران متدین، چمران مجاهد، چمرانی که زن و بچه‌اش را بر میدارد از آمریکا می‌آورد لبنان، در خدمت مبارزه؛ بعد هم حاضر است از زن و بچه‌اش جدا بشود و بماند مبارزه کند و جهاد کند، که آخرش هم اجرش را میگیرد که شهادت باشد. یعنی این آمیختگی و درهم‌تنیدگی دین و نشانه‌های تمدنی در تمدن ایرانی، یک حقیقتی است، یک واقعیتی است که غیر قابل انکار است و بیخودی تلاش میکنند [که جز این را نشان بدهند].

انصافاً تلاش ملت ایران و جوانان ما و جانفشانی‌هایشان، مایه‌ی قوام و دوام جمهوری اسلامی شده تا امروز؛ بعد از این هم همین‌جور خواهد بود. اگر چنانچه این فداکاری‌ها نبود، جمهوری اسلامی امکان حیات و ادامه‌ی حیات پیدا نمیکرد. اگر هم یک چیزی به اسم جمهوری اسلامی میماند، امکان حفظ اصول و مبانی برایش وجود نداشت؛ یک صورت بی‌معنایی میشد، مثل بعضی از جاهای دیگر. در دوره‌های مختلف، از اوّل انقلاب، از مبارزات انقلابی تا پیروزی انقلاب، تا مسائل گوناگون اوایل انقلاب، تا دوران دفاع مقدس و بعد از آن تا امروز، در قضایای مختلف، این جوانان بودند که با جانفشانی خودشان توانستند نظام را حفظ کنند، قوام بدهند، دوام بدهند و ان شاء الله بعد از این هم همین‌طور [خواهد بود]؛ کما اینکه حرکت علمی و دینی ما هم دست آنها است.

آنچه من سفارش میکنم، در درجه‌ی اوّل این است که این کارهایی را که شما در این بزرگداشتها انجام میدehید، جوری انجام بدهید که اثربخش باشد. صرف ساختن کتاب کافی نیست، صرف ساختن فیلم کافی نیست؛ ممکن است یک فیلمی را زحمت بکشند بسازند، بیننده هم نداشته باشد، کسی نگاه نکند. فیلمی که کارگردانی خوب نداشته باشد، ساخت خوب نداشته باشد، مضمون خوب نداشته باشد، شیرین و زیبا نباشد، خب زحمت کشیدید، پول خرج کردید، کسی هم به این فیلم نگاه نمیکند! بروید سراغ بهترین کارگردان، بهترین سناریونویس، فیلمنامه‌نویس، بهترین پشتیبان و تهیه‌کننده؛ بروید سراغ اینها. به جای ده فیلم، دو فیلم بسازید، منتها دو فیلمی که وقتی پخش شد، همه بگویند که باز هم پخش کن؛ این خوب است. تا بتوانید شهید همّت را معرفی کنید، شهید زاهدی را معرفی کنید، شهید کاظمی را معرفی کنید، شهید خرّازی و ردّانی‌پور را معرفی کنید و دیگران و دیگران. کم نیستند؛ این قدر اسمهای شهدای برجسته‌ی اصفهان زیاد است که انسان هر چه میخواهد بگوید تمام نمیشود. این یک نکته است: دنبال اثربخشی باشید. جوری کتاب درست کنید که بعد از اینکه یک چاپش تمام شد، مشتری‌ها بیایند چاپ دوم و چاپ سوم را بخواهند، و همین‌طور تا آخر. و کارهای دیگری که انجام میدehید.

یک نکته‌ی دیگر این است که اثرسنجی کنید – که من این را به بعضی‌های دیگر هم که از یک شهر دیگری آمده بودند تذکر دادم – یعنی وسیله‌ی رصد بگذارید؛ ببینید حالا این جوان شما بعد از آنکه این کارهای شما را دیده، رفتارشان، سبک زندگی‌اش، لباس پوشیدنش، نماز جماعت رفتنش، هیئت رفتنش، با مسائل سیاسی روبه‌رو شدنش، با گذشته چه فرقی کرده. البته اینها زحمت دارد، خیلی مشکل است اما باید بشود؛ یعنی آن وقتی این کار شما یک کار واقعی موثر جان‌داری است و جهاد فی سبیل الله است که این نکات در آن حتماً رعایت بشود.

من پیشنهاد میکنم که خود واحدهای نظامی اصفهان هم در این قضیه فعال بشوند؛ حالا مثلاً واحدهای سپاه، لشکر امام حسین، لشکر نجف، یا تیپ قمر [بنی هاشم] – که حالا [البته] الان آن منطقه جزو اصفهان نیست؛ آن

وقت ظاهراً به نظرم جزو اصفهان بود - یا مثلاً واحدهای ارتش، پایگاه هشتم [که] کم کار نداشته در این قضیه، مرکز توپخانه در اصفهان و بقیه‌ی مراکزی که وجود داشتند، اینها بنشینند شرح حوادث و سرگذشت دوران جنگ تحمیلی‌شان یا احیاناً قبل و بعد آن را بیان کنند، به چه وسیله؟ به شکل بازیهای رایانه‌ای. امروز در دنیا بازیهای رایانه‌ای یکی از ابزارهای انتقال پیام است؛ یعنی فقط بازی نیست. افراد با فکر می‌نشینند طراحی میکنند بازی جنگ بین ایران و خودش را، و جوری طراحی میکنند که وقتی جوان آمریکایی، نوجوان آمریکایی نشست پای رایانه و این بازی را تماشا کرد، احساس قدرت بکند، احساس توانایی بکند، امیدوار بشود که ما در این مبارزه پیروز خواهیم شد. مثلاً باید این جوری حرکت کرد.

یا [بیان] حکایت‌های کوتاه؛ اینکه مثلاً یک نفر یک خاطره‌ی ده سطری نقل میکند، از چه؟ از لحظه‌ی شهادت فلان رفیقش در جبهه؛ نه این آدمی که نقل میکند آدم معروفی است، نه آن کسی که از او نقل میشود آدم معروفی است، اما این حکایت را وقتی که شما میخوانید، این جوان میخواند، در اعماق دلش اثر میگذارد؛ یعنی اینها هنرمند لازم [دارد]، اینها ورود هنرمندان را میطلبد.

به نظر من اگر این کارها انجام بگیرد و این روایت حوادث بزرگ گذشته بدرستی و با هوشمندی انجام بگیرد، خیلی از مشکلات برطرف خواهد شد و کارها پیش خواهد رفت. و یاد این شهدا خودش احیاکننده و به‌وجودآورنده‌ی روحیات برجسته و مجاهدت‌آمیز جوان امروز است. یعنی واقعاً زندگی شهید کاظمی تولیدکننده‌ی شهید حججی (5) است؛ یعنی آن را وقتی که میخواند، این تولید میشود، این به وجود می‌آید. لذا بایست ان شاء الله دنبال کنید. خدا موفق‌تان بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله

1) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف طباطبائی نژاد (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان و رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره) و سرتیپ مجتبی‌فدا (فرمانده سپاه صاحب‌الزمان استان اصفهان و دبیرکل کنگره) گزارشهایی ارائه کردند.

2) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی 78؛ «... در راه خدا چنان که حقّ جهاد [در راه] او است جهاد کنید...»

3) در روز بیست‌وپنجم آبان 1361، 370 نفر از شهدای عملیات محرم که مربوط به شهر اصفهان بودند، با حضور پُرشکوه مردم و بر روی دستان آنان تشییع شدند.

4) ر.ک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم اصفهان (28/8/1401)

5) شهید محسن حججی، از شهدای مدافع حرم که نیروهای داعش، پس از اسارت، او را به شهادت رساندند.